

سلطان احمد شاه قاجار

سعید بختیاری سلطانی

عضو انجمن مطالعات تاریخ پستی ایران

user35335@gmail.com

مهر ماه ۱۳۹۶ خورشیدی

بازنویسی: بهمن ماه ۱۳۹۹ خورشیدی

یکی از تمبرهای زیبای ایران، تمبر احمد شاه قاجار معروف به "احمدی کوچک" است که در تاریخ ۱۲۹۰ خورشیدی (۱۹۱۱ میلادی) در چاپخانه "آنشده و پسران" در شهر هارلم در کشور هلند (با دو روش خشک و تر) چاپ شده و تا سال ۱۳۰۰ خ. (۱۹۲۲ م.) در پست ایران استفاده شده است.



این سری تمبر در ۲۱ رقم است. تنوع رنگ های چشم نواز در این سری، آن را محبوب مجموعه داران تمبر کرده است. نقش تمبرهای قاجاری بطور معمول تصویر پادشاه (در سن میان سالی) یا تصویر شیر و خورشید است اما در سری احمدی کوچک، تصویر کودکی دوازده ساله بر تمبر نقش بسته است که با فضای خشک و رسمی تمبرهای قبلی متفاوت بوده آن را به سمت دنیایی خیالی و کودکنانه سوق داده است.



کودکی خردسال در لباس رسمی نظامی

احمد میرزا در ۱۲۷۵ خ. در شهر تبریز به دنیا آمد. پس از فتح تهران و خلع محمد علی شاه قاجار توسط مشروطه خواهان، احمد میرزا بوسیله مجلس عالی رجال و بزرگان دولت در سن ۱۲ سالگی به سلطنت

رسید و در تیر ماه ۱۲۹۳ خ. با رسیدن به سن بلوغ (۱۸ سالگی) تاج گذاری کرد که همزمان بود با آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ م.) علی رغم اعلام بی طرفی ایران در جنگ، کشور جولانگاه قشون روس و انگلیس شد و شاه جوان از آغاز سلطنت در کوران حوادث گوناگون قرار گرفت.

در دوران سلطنت احمد شاه ، حوادث زیادی در ایران رخ داد :

شهریور ۱۲۸۸ خورشیدی فرار محمد علی شاه از ایران

آبان ۱۲۸۸ خ. تشکیل مجلس دوم پس از دوره استبداد صغیر

اردیبهشت ۱۲۹۰ خ. اولتیماتوم روسیه به ایران

آذر ۱۲۹۰ خ. اشغال نظامی تبریز توسط روسیه

فروردین ۱۲۹۱ خ. به توپ بستن آرامگاه امام هشتم توسط نظامیان روسیه

تیر ۱۲۹۳ خ. شروع جنگ جهانی اول و اشغال ایران در جنگ جهانی اول

امرداد ۱۲۹۴ خ. قیام مردم علیه نظامیان انگلستان (جنبش جنوب)

فروردین ۱۲۹۹ خ. قیام شیخ محمد خیابانی در آذربایجان و قیام میرزا کوچک خان در گیلان

اسفند ۱۲۹۹ خ. کودتای سید ضیا الدین طباطبایی و رضاخان میر پنج



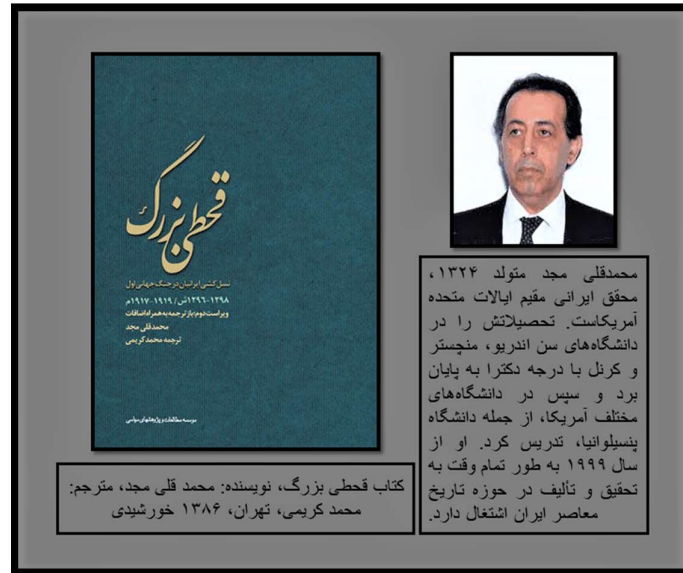
در میان پاکت نامه های قاجاری که توسط مجموعه داران خریداری می شود؛ پاکت نامه های احمدی نسبتا با قیمت کمتری خرید و فروش می شوند و نسبت به سایر پاکت های مصرف شده قاجاری، بیشتر در بازار موجود است که یکی از علت های مهم آن، مصرف ده ساله (طولانی مدت) تمبر احمدی کوچک در سیستم پستی کشور (از ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۰ خورشیدی) است.

تمبرها و پاکت نامه های احمدی، ورای زیبایی و جنبه های تمبرشناسانه، یادگاری است از دورانی تلخ که بر سرزمین مان گذشته است. از میان سال های پر حادثه سلطنت احمد شاه قاجار، "قحطی بزرگ" در سال های ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ خورشیدی، فاجعه بارترین واقعه در آن روزگار است.

این پاکت نامه ها زمانی در بین مردم رد و بدل می شده است که بخل طبیعت (خشکسالی چند ساله) از یک سو، و از سوی دیگر جلوگیری قوای نظامی انگلستان و روسیه در دسترسی مردم به غله، باعث گردید تعداد زیادی از جمعیت ایران به دلیل گرسنگی، تلف شوند.

کمیته مجازات در چنین زمانی فعالیتش را آغاز می کند. ترور رئیس انبار غله طهران به دست عاملان کمیته مجازات، اولین عملیات این گروه است. میرزا اسماعیل خان، رئیس انبار غله طهران، با فروش مخفیانه گندم به قوای نظامی بیگانه زمینه ایجاد قحطی در شهر طهران گردید.

دکتر محمد قلی مجد، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، مقیم ایالات متحده آمریکا در کتاب قحطی بزرگ برای نخستین بار بطور مبسوط این نسل کشی بزرگ در ایران را بررسی می کند.



محمدقلی مجد متولد ۱۳۲۴، محقق ایرانی مقیم ایالات متحده آمریکا است. تحصیلاتش را در دانشگاه های سن اندریو، منچستر و کرنل با درجه دکترا به پایان برد و سپس در دانشگاه های مختلف آمریکا، از جمله دانشگاه پنسیلوانیا، تدریس کرد. او از سال ۱۹۹۹ به طور تمام وقت به تحقیق و تألیف در حوزه تاریخ معاصر ایران اشتغال دارد.

کتاب قحطی بزرگ، نویسنده: محمد قلی مجد، مترجم: محمد کریمی، تهران، ۱۳۸۶ خورشیدی

تاریخ دو سده اخیر ایران سرشار از حوادث مهمی است که به دلیل فقر تاریخنگاری معاصر مسکوت یا ناشناخته مانده است. تاکنون درباره قحطی بزرگ سال های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ میلادی در ایران چیز زیادی نمی دانستیم و اهمیت و جایگاه بزرگ این حادثه را در تعیین سرنوشت جامعه ایران نمی شناختیم. اینک به همت ایشان می توانیم با نخستین پژوهش جدی درباره این حادثه سرنوشت ساز آشنا شویم.

دکتر محمد قلی مجد، بر اساس اسناد موجود در مرکز اسناد ملی ایالات متحده آمریکا (نارا)، تصویری هولناک از ایران در سال های جنگ جهانی اول و پس از آن به دست آورده است. اسناد علنی شده دولت آمریکا درباره دوره تاریخی فوق، که در کتاب "قحطی بزرگ و نسل کشی در ایران ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹"، ثابت می کند که بزرگ ترین نسل کشی سده بیستم میلادی در ایران رخ داد و ایران بزرگ ترین قربانی جنگ اول جهانی بود. طبق تحقیق دکتر مجد، در طول سال های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ بین هشت تا ده میلیون نفر از مردم ایران در اثر قحطی یا بیماری های ناشی از کمبود مواد غذایی و سوء تغذیه از میان رفتند و جمعیت ایران به شدت کاهش یافت.

ارباب کیخسرو شاهرخ، از قهرمانان ملی ایران، پیرو دین زرتشتی، در یادداشت هایش (کتاب خاطرات ارباب کیخسرو شاهرخ، به کوشش شاهرخ شاهرخ و راشنا رایتز، ترجمه غلامحسین میرزا صالح) خاطراتش از واقعه قحطی بزرگ را نوشته است. این قسمت از خاطرات او قصه پر غصه ای است که چشمان هر ایرانی را پر اشک می سازد.

در زمان جنگ جهانی اول، در مقطعی انگلیسی ها پرداخت درآمد های نفتی به دولت ایران را مشروط به "تشکیل کمیسیون مالی" کردند تا اختیار مالی کشور را به دست بگیرند. به همین دلیل گندم نایاب شد و هزاران ایرانی در قحطی بزرگ ایران (۱۲۹۸-۱۲۹۶) تلف شدند.



ارباب کیخسرو شاهرخ از فعالان کمک‌رسانی در تهران شد و در نطق‌هایی آتشین زمین‌داران و بازاریانی که در احتکار غلّه مشارکت داشتند، را خطاب قرار می‌داد. دولت او را مأمور خرید گندم برای تولید نان نانوائی‌ها کرد. در این هنگام محکرمین پایتخت قیمت گندم را بالا برده بودند. انبارهای حکومتی که متعلق به احمد شاه بود مملو از گندم بود ولی احمد شاه حاضر نبود گندم را به قیمتی کمتر از محکرمین تهران بفروشد. ارباب کیخسرو با شاه ملاقات کرد و سوگند پادشاهی وی را به یادش آورد و تلاش کرد او را به قیمتی کمتر راضی کند. شاه راضی نشد و او به ناچار گندم را به قیمت سایر محکمران از احمد شاه خرید و میان نانوائیان توزیع کرد. (ویکی‌پدیا) متأسفانه گندمی که از سیلوهای احمد شاه خریداری شد همه فاسد بود و نانی که از این گندم‌ها پخت می‌شد؛ تلخ بود. سه چهارم مردمی که از این نان‌ها مصرف کردند؛ بیمار شدند. از اینرو ارباب کیخسرو جلوی وصول چکی (به مبلغ ده هزار تومان) که برای احمد شاه نوشته بود (بابت خرید گندم) مسدود کرد و احمد شاه نتوانست آن مبلغ را دریافت کند. (کتاب خاطرات ارباب کیخسرو شاهرخ، ص ۸۱).

سید حسن مدرس در یکی از نطق‌هایش در مجلس شورای ملی گفته بود: "در مجلس ما یک مسلمان هست، آن هم ارباب کیخسرو است."

بن مایه‌ها:

۱. محمد قلی مجد، قحطی بزرگ (۱۲۹۸ ۱۲۹۶ ش/ ۱۹۱۹ ۱۹۱۷ م)، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۶
۲. کیخسرو شاهرخ، خاطرات ارباب کیخسرو شاهرخ، به کوشش شاهرخ شاهرخ و راشنا رایتر، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران: مازیار ۱۳۸۲